پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهاردهم) دوشنبه ۲۰ جوزا - ۱۳۴۷ هـ - ۱۰ جون ۱۹۶۸ ع

دکتور اناهیتا:

روز بین‌المللی اطفال

سرنوشت رقت‌بار کودکان کشور ما

روز اول جون روز بین‌المللی اطفال است که در سال ۱۹۴۹ توسط فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان بنیانگذاری شده است و در دنیای دموکراتیک همه‌ساله تجلیل می‌شود، برگزاری این روز امسال نیز با تشکیل جشن‌ها، میتنگ‌ها و تظاهراتی دربارهٔ کودکان توأم بود.

اما در کشور ما روز طفل چه مفهومی دارد؟ اطفال ما از تیره روزترین کودکان جهان‌اند و افغانستان از جمله کشورهائیست که از لحاظ کثرت مرگومیر اطفال، بدرجه اول قرار میگیرند. کمتر کشوری را می‌توان سراغ کرد که به این پیمانه کودکانی علیل و مریض داشته باشد. کودکان معصوم ما در اکثر خانواده‌های دهاتی مانند سایر اعضای خانواده در کنار حیوانات بسر می‌برند و چون آمادگی بیشتری برای گرفتن مکروب و امراض مختلف دارند اکثریت آنان میمیرند و تعدادی هم ناقص، معیوب و مریض با میایند، درین خانواده ها اصلاً داکتر و دوای را نمیشناسند. اغلب فامیلهای شهری نیز بعلت فقر مزمن و کشنده و گرانی دوا و درمان کودکان خود را به دست سرنوشت میسپارند، فیصدی بیشتراطفال از امراض گوناگون و به خصوص توبرکلوز سخت رنج می‌برند. هیچ خانواده را نمی‌توان یافت که داغ‌های فراوان غم از مرگ اطفال معصوم خود، بر دل نداشته باشند.

حد متوسط سن در افغانستان یکی از پایین‌ترین ارقام را می‌رساند، یعنی سی سال! و علت عمدهٔ نازل بودن آن، کثرت مرگومیر اطفال و خاصتاً کمتر سن یکسالگی می‌باشد، مرگومیر اطفال در تمام کشور فوق‌العاده زیاد بوده و به خصوص در دهات رقم وحشتناک نود در صد می‌رسد، درحالی‌که در کشور همسایه شمالی ما میزان مرگومیر بین کودکان به سه در هزار تقلیل است. رقم رقم نود فیصد مرگومیر نشان می‌دهد که کودکان ما چه وضع اسفباری دارند.

فقر عمومی مانع رشد جسمانی کودکان ما می‌گردد، درحالی‌که برای کودکی که باید در شرایط عادی از نظر جسمی رشد نماید، و از حد اقل سنین متوسط عمر یک انسان برخوردار گردد، لازم است که غذا و پوشاک کافی، مسکن صحی و دوا و دکتور در اختیار داشته باشند، اما فقر کشنده و هلاکت بار موجب گردیده که اکثریت مطلق کودکان از حد اقل زندگی محروم باشند. هزاران طفل حتی در شهرها، به خصوص اطفال هموطنان هزاره و پنجشیری ما در شرایط بسیار بد در کلبه‌ها و گاراژهای نمناک زندگی می‌کنند. زندگی اطفال کوچی ما خیلی رقت‌انگیز است و نمی‌توان نام آن را زندگی گذاشت.

سرنوشت دردناک و اندوهبار کودکان ما را در کام خود کشیده است. شرایط فوق‌العاده نامساعد اقتصادی و اجتماعی موجب انواع بدبختی‌ها برای اطفال ما می‌گردد. عقده‌های روحی فراوانی باعث تباهی زندگی ایشان می‌شود، آنان در هرلحظه و هر جا از محیط فامیل گرفته تا کوچه و بازار و حتی مکتب مورد آماج کین، تحقیر، تنبه و توهین دایمی قرار میگیرند.

در کشور ما کودکان اصلاً در بسیار از موارد بحث موجودات صاحب حقوق بشمار نمی‌آیند و یا در زمینه‌های

(ص ۳)

استیضاح وکیل فیضان الحق فیضان از حکومت

در مورد مسایل حاد اجتماعی و خواست‌های مبرم خلق کارگر کشور

در جلسه استیضاح سه شنبه ۱۴ جوزا ولسی‌جرگه

موضوع استیضاح من پیوست به استیضاح دکتور اناهیتا، وکیل ببرک کارمل و وکیل نوراحمد نور اعضای فرکسیون دموکراتیک خلق، از حکومت، عبارت است از مسایل حاد اجتماعی زیرین که خواست مبرم روز خلق کارگر کشور ما را تشکیل می‌دهد.

وطن محبوب ما افغانستان پنجاه سال قبل به استقلال سیاسی رسیده ولی از آن تاریخ تاکنون جنبش آزادی‌بخش ملی خلق‌های افغانستان نتوانست به پیروزی نهایی برسد و به استقلال اقتصادی و رشد دموکراسی و ترقی اجتماعی نایل آید.

طی پنجاه سال استقلال، جنبش‌های رهایی‌بخش ما، به مقصد تأمین آزادی‌های وسیع دموکراتیک، ترقی اجتماعی و رفاه، بنا بر نقشه‌های خائنانه نیروهای ارتجاعی، استبدادی و استعمار امپریالیستی با شکست‌های هولناک و قربانی‌های بسیار زیاد مردم زحمتکش کشور ما مواجه گردیده است؛ و همچنین توده‌های عظیم مردم افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان شهر و ده از نظر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، تحت ظلم و ستمگری و استثمار طبقات حاکمه کشور در شرایط اختناق آوری به اصطلاح »حیات «بسر می‌برند.

سطح عواید و مصارف زندگی توده‌های مردم ما پایین‌ترین سویهٔ حیات در جهان است. نارضایتی مردم از شرایط دشوار زندگی روز بروز غیرقابل تحمل می‌شود، طوری که نهضت‌های صنفی و ملی جاری کشور مظهر گویای آن است.

به عقیدهٔ ما تطبیق امور اجتماعی ذیل یکی از اهم مسایل روز در زمینه بهبود حیات اجتماعی خلق کارگر وطن ما بشمار می‌رود.

- باید هرچه زودتر به اساس اصل حق کار برای تمام افراد مستعد بکار با تعیین حد اقل دستمزد که رفع احتیاجات ضروری، مادی و معنوی آن‌ها را کرده بتواند، کار تهیه گردد.
- باید شرایط مساعد کار و مصونیت کارگران تأمین گردد.
- باید قانون ٤٤ ساعت کار در هفته برای صنوف مختلف کارگران و تقلیل باز هم بیشتر ساعت کار در شعبه‌هایی که شرایط کار دشوار تر می‌باشد و کارگران را از لحاظ روحی و جسمی صدمه میزند، هرچه زودتر وضع و مورد تطبیق قرار گیرد.
- حق استراحت و رخصتی‌های همه‌ساله، توأم با دستمزد برای کارگران تأمین گردد.
- باید بیمه‌های صحی و اجتماعی برای کارگران، چه در سنین پیری و چه در شرایط معیوب شدن ناشی از حوادث کار و بیماری، بوجود آید.
- باید کار اطفالی که سن‌شان از پانزده سال کمتر باشد، منع قرارداده شود و برای کارگرانی که سن آن‌ها بین پانزده و هجده است روز کار باید تا چهار ساعت پایین آورده شود.
- باید حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و کارگری، حق اجتماعات و اعتصابات مسالمت‌آمیز و انتقاد قراردادهای دستجمعی زحمتکشان کشور برسمیت شناخته شود و تحت مصئونیت اجتماعی و سیاسی قرار گیرد.
- باید محاکم بی‌طرف برای حل اختلافات میان کارگران و کارفرمایان بر مبنای تطبیق دست قانون کار تشکیل گردد.
- وضع و تطبیق جدی قوانین دموکراتیک و مترقی بر مبنای اصلاحات دموکراتیک ارضی و حل بنیادی مسأله زمین که تمام نظامات پوسیده و فرتوت مؤسسات قرون‌وسطایی را ملغی قرار دهد، استثمار ستم و فقر دهقانان زحمتکش را از ریشه محو سازد، ضرورت زمان ماست.
- برای نجات فوری دهقانان کوچک و متوسط اجاره داران و دهقانان از گرو داری، قرضداری توأم با سودهای فاحش، بیگاری و دیگر عوارض و تکالیف قرون‌وسطایی و سود خواران شهر و ده قوانین دموکراتیک وضع و جداً مورد تطبیق قرار گیرد و آزادی و مصونیت دهقانان تأمین گردد.
- باید هرچه زودتر مسأله کوچی‌ها و حیات قبیلوی در کشور به طرز دموکراتیک و اسکان و مراقبت کامل آن‌ها تشویق و رهنمایی (...) زراعتی و صنعتی و بهبود حیات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها حل گردد.
- باید پلانی در زمینه ساختمان منازل ارزان‌قیمت در شهرها و دهات کشور طرح و مورد تطبیق قرارداده شود.
- باید کرایه ظالمانهٔ منازل، دکان‌ها، اپارتمان‌ها برای کرایه‌نشینان متناسب به عواید آن‌ها پایین آورده شود.
- باید در دستگاه اداری دولت طبق مصالح عالیهٔ خلق‌های کشور، اصلاحات اساسی بوجود آید، علیه تمام فساد اداری، خودسری‌ها، و بی‌قانونی‌ها و بی‌انضباطی‌ها، ارتشاء و شیوه‌های کاغذ پرانی و استبداد، مبارزهٔ پیگیر صورت گیرد.
- زندگی شرافتمندانهٔ معلمین، مأموران، اجیران و مستخدمین دولت و مؤسسات تأمین گردد.
- باید طبق قانون، همه آنانی که به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی

(ص ۳)

پرووکاسیون (تفتین) دشمن خطرناک نهضت است!

پرووکاسیون (تفتین) تحریک و برانگیختن ارتجاع یا چنان عملی است که او می‌تواند بهانه‌ای برای اقدام علیه جنبش‌های آزادیخواهی به دست آورد که ما درین جا کوشش می‌نماییم بعضی از موارد آن را بصورت مختصر توضیح نماییم:

در یک جریان سیاسی ممکن است جاسوس‌های دستگاه حاکمه رخنه نمایند، این‌چنین اشخاص نسبت به پلیس‌های رسمی و هر عنصر دیگر بمراتب خطرناکتر و بدتر اند و چون روش‌های تحریک‌آمیز را در پیش می‌گیرند، در اصطلاح سیاسی می‌توان آن‌ها را پرووکاتور و یا فتنه‌انگیز نامید. پرووکاتور ها یکی از بد ترین بازیگران سیاسی و اجتماعی‌اند. مثلاً تظاهراتی که در آن‌ها نظم و انضباط کامل حکمفرما باشد، اینان می‌کوشند وضع را طوری مختل سازند تا آن را بزبان تظاهرکنندگان و آزادی و بسود طبقه حاکمه پایان دهند. معمولاً برای انجام چنین امری عده‌یی از پرووکاتورها در صفوف تظاهرکنندگان داخل میگردند و ظاهراً شعارهای چپ می‌دهند و داد از انقلاب می‌زنند، که موقتاً مورد علاقهٔ مردم قرار میگیرد، درحالی‌که در واقعیت امر منظورشان اینست که با ایجاد بی‌نظمی و اغتشاش، جمعیت از هدف اصلی و غایه‌اش منحرف گردد.

این اجیران اربابان زور و زر کوشش می‌نمایند که با ایجاد بی‌نظمی‌ها و خونریزی‌های بیجا، از تظاهرات و اجتماعات و هرگونه مظاهر دموکراسی و فعالیت‌های سیاسی و سازمانی جلوگیری شود.

این‌ها مأموران خطرناک دستگاه ارتجاع و جاسوسی‌اند که با لباس توده‌ها و حرف‌های چپروانه و تند، در زیر ماسک شعارهای آزادیخواهی برضد توده‌ها و بسود ارتجاع عمل می‌نمایند.

نوع دیگری پرووکاسیون، ایجاد دسته‌هایی‌ست بنام تروریست و انارشیست و یا دسته‌های دروغین چپ نما که از طرف هادیان و متولیان طبقه حاکمه تشکیل می‌شود؛ و این‌ها دست به تبلیغات و اعمال خطرناک و تندی می‌زنند تا طبقه حاکمه را عصبانی ساخته و وادارشان نماید که علیه آزادی به یک سلسله اعمال خطرناک دست بزنند.

چنین تاکتیکی معمولاً از طرف استعمارگران و دلالان سیاست استعماری نیز مورد اجرا قرار میگیرد.

یکی دیگر از انواع پرووکاسیون تحریف و تفسیر معکوس از تیوری مترقی است، پرووکاتورها از یکطرف تیوری علمی جدید و مترقی را تغییر شکل داده و به آن لطمه می‌زنند و از طرف دیگر چون علاقمندان و پیروان این تیوری را می‌شناسند بنابرآن علیه ایشان اقدام می‌نمایند.

پرووکاتور ها در ظاهر چپ تر از چپ‌ها استند و شعارهای شان فوق‌العاده تند و بی‌باک است، ولی عملاً نوکر و جاسوس ارتجاع‌اند. بنا برین در موارد حساس و جدی همیشه باید از نفوذ چنین اشخاص جلوگیری کرد و با کمال دقت متوجه اعمال و رفتار آنان بود.

همچنان هرچه مبارزه شدیدتر می‌شود باید روش و متود کار را ظریفتر و هوشیاری را بیشتر ساخت، زیرا به هراندازه که مبارزه قاطع تر شده و به پیروزی نزدیکتر شود، بهمان اندازه پرووکاتورها خطرناکتر و غیرقابل شناخت خواهند شد.

مرتجعین و کارفرمایان پیوسته در تلاش‌اند که از طریق عمال خویش در نهضت‌های کارگری نفوذ کرده و از طریق عمال خویش در نهضت‌های کارگری نفوذ کرده و ازین طریق مانع پیشرفت جنبش کارگری گردند، وسایلی که به کار برده می‌شود دعاب، اخراج، تبعید و تهدید کارگران و تفتین و تفرقه افگنی در میان ایشان است؛ اما این‌گونه تلاش‌ها در مقابل نهضت سیل آسای کارگری چون نمی‌تواند تاب مقاومت بیاورد. لذا دست به دامان پرووکاتورها میزند و آنان را می‌گمارد تا با چهرهٔ حق بجانب و شعارهای چپروانه و انقلابی نما بر زبان، داخل صفوف مبارزین گردیده با فتنه‌انگیزی و ایجاد عدم اعتماد، تهمت زنی و دروغ بستن فضای مبارزه را مسموم و زهرآگین ساخته، سنگر مبارزه و نهضت را درون منفجر کنند و جنبش‌های کارگری را دچار وقفه ساخته و یاس را مستولی نمایند.

۲ - د پښتونستان د ملی آزادی نهضت د ځوان مشر وینا

د خان عبدالولی خان د هغی شفاهی وینا متن چه آزادی او خپلواکی د شهیدانو د ورځی په مناسبت ئی د ثور په (۳) د پښتونستان د ولس د لویی مظاهری په وخت کښی کړی وهږ

او که ورور مو ګڼی نو د ورور ولی حصه راکوی که نه راکوی؟

په منت یی درنه نه غواړو. په زاری یی درنه نه غواړو، د پرنګی نه مو په زور اخیستی ده، ستا نه به یی هم په زور اخلو. (چک چکی).

نو په دغه حساب کتاب پوری، صدر صاحب مور ته دوهمه خبر دا کوی چه موهنجودارو، تا کسیلانه وګوری. دادری دزړی زمانی تاریخی ښارونه دی، دادری ښارونه چه مور ته یادوی داخبره ثابتیږی چه مغربی پاکستان چه دی، دایو یونټ و په هغه زمانه کی، وه زورور سړیه خپل بریټ کوه، تاریخ که دی ولوسته پدی پوری ولښتی – که د تاریخ قصو پوری و لښتی پاکستان به پکښی بایلی (چک چکی)، دادی څه دماشومانو خبری شروع کړیدی؛ که د تاریخ ددی قصو پوری و نښلی، د پاکستان د پاره چه خلکو دغه کړی هغه یی ددی دپاره کاوه چه په موهنجو داروکښی دادی او په ... کښی داخبره ده، ناکسیلا خود بده مذهب مرکز و، دا بده مذهب خود پټلی ته راروان شویدی په کوم خوب ویده یی؟ چا درته تقریر لیکلی دی؟ دایی هم درته ندی ویلی؟

خبره دغه چه مورپدی دیر خوشحاله یو چه صدر صاحب نن د یو یونټ د جوړیدونه لس کاله پس ددی خبری په ضرورت محسوس که چه مور سره په دلیل دی راسره خبره وکړی، خو چاسره خبره وکړو. ممبران خو چه راځی، تیار لیکلی کاغذونه یی ورکړی وی، غوږو ته ټپ خبره اوری او په سترګویی ورله پټی ټرلی وی »صاحب دیره لویه ترقی شویده، دیر استحکام پاکستان کړیدی او صدر ایوب خان زنده باد « تاسو بله خبره واوریده، مور خووانه وریده؛ که اخبار دی همدغه خبره، که پاینده خان دی هم دغه خبره ده او که وزیردی هم دغه خبره ده. خو خبره ده. خو دیونټ متعلق هغه ورځ قاضی فضلالله صاحب چه وزیر دی، هغه بیان ورکړیدی چه کوم سړی د مغربی پاکستان دیو یونټ مخالف کوی هغه غدار دی.

ماسره یو کاغذ پروت دی داچه کوم دغه ته اجمل صاحب اشاره وکړ په دغه وخت قاضی فضل الله صاحب چه وزیردی، هغه بیان ورکړیدی چه کوم سړی دمغربی پاکستان دیویونټ مخالفت کوی هغه غدار دی.

ماسره یو کاغذ پروت دی چه کوم دغه ته اجمل صاحب اشاره و کړ په دغه وخت قاضی فضل الله درپیلیکن پارټی ممبرو او یوازی ممبر نه و وزیر هم و، نو په هاغه وخت کی یو تجویز د مغربی پاکستان به اسمبلی کی پیش شوی و چه یو یونټ دی مات شی او زړی صوبی دی بحال شی، نو دی قاضی فضل الله د اسمبلی دممبر په حیث ووټ (رایه) ورکړی دی چه یونټ دی مات شی، اوس اوس قاضی صاحب وایی، څوک چه وایی یو یونټ دی مات شی، هغه غدار دی. داټپوس زه اوس تاسی نه کوم جه قاضی صاحب پخپله څه دی: (خلکو ناری کړی »غدار ((چک چکی) قاضی دوزارت اسری اخیستی دی. پرون وزارت پدی و چه یونټ دی ماتیږی او نن وزارت پدی دی چه یونټ قائم وی. دا زمور، زمور د (سیایسونو) اخلاق دی، دا د دوی کردار دی او د دوی اصول دی چه یو وزارت د پاره نن وایی »یونټ دی مات شی «مازیګر وایی »یونټ دی بحال وی .«پدی کسانو باندی صدر ایوب خان دامللک آبادوی، پدی خوشامدګرو باندی به دوی څاتله پدی قوم کی ملګری پیداکړی، هو هغه به خوشامند ګر پیدا کړی خو قوم ځان سره پدی خلکو نه شی ملګری کولی. هغه که د قوم ملګرتیا غواړی په کار دی چه قوم له راشی، مخامخ و دریږی، دلته راشی او د پښتون تسلی ورکړی چه بهیی (وروره) په یونټ کی تا نه څه تکلیف دی. دا پدی کیږی چه خلکه د جیل خانی د لوډرانو دی په چکر ګرزی او هر وزیر دیصدر ته آواز کړی چه په ځان پوهیږی بیا به او به له ورځه تیری وی. مور د حکومت غورځته دا خپل آواز رسول غواړو داورته وایو چه دا دسود او زیان خبره ده، دا دپښتنو د حقوقو خبره ده. مور سره زیاتی کیږی. زمور حق خورل کیږی او مور دوی سره حساب کتاب کولی غواړو.

هغه ورځ زما یو میلمه و، مور د مردان په لار باندی تلو، دمردان په ستیشن باندی کانی پراته وو، ویی وی چه دا کانی دلته څه کوی؟ ما وی دا وړی کراچی ته. ماوی دا کانی ګاډی ته خیژوی، بجلی هم د ملګرو نه ورته روانه کړی. مزدور هم ورسره دسواته روان کړی، نو کراچی ته. ته لار شی سنګ مرمر تری جوړ کړی. نومانه یی وویل چه هلکه مزدور هم دلته دی، کانی هم دلته دی، بجلی هم دلته ده، داکار ولی پدی پیښور کی ته ودروی؟ نو هغه د ملک دښمن دی، غدار دی؛ که زه ورنه داوایم چه ته ددی ځای نه بجلی روانه کړی دکراچی وریجی په نرخ ته ذاکوی، چه داټپوس کوم نو وایی ته غدار یی (چک چکی).

که زه ورته دا وایم چه صیب نن ستاسو د فوخیانو ګټی دهغو ځمکو چه تاسو په سند کی اخیستی دی زما دګنو نه یوه رویی ګران خرڅیږی او له بلی خوا تاسی وایی چه یو یونټ دی او یو حساب کتاب دی، که زه دا ټپوس کوم ماته وایی ته غدار یی. وزیر صاحبان رائی خو نه وایی چه خلکو ته څه تکلیف دی، د ملک ترقی شویده که نه؟ تاسو په ایمانداریء وواییء چه دومره ترقی چه رشوت کړیده، تاسو دا په خپل عمر کی اوریدلی وه ترقی شویده خو په رشوت کی شویده. پدی بازارونوکی څه حال دی، داقتلونه او ډاکی وګوریء هغوی پښتانه پری ایښی دی چه یود بل په غوښو اخته وی، ما ستاسو په خدمت کی دا عرض کاوه چه ترقی شویده خو د سرکاری محکمو په

(۴ مخ)

تلخیص و ترجمه: میر اکبر خیبر

وضع کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی

- ۳ -

طوری که گفته شد هسته و محور مرحله جدید جنبش ملی را مبارزه در راه ترقی اجتماعی تشکیل می‌دهد؛ اما در همه کشورهای نو به استقلال رسیده در کشورهای که سرمایه‌داری محلی بیک نیروی جدی مبدل نشده است و روابط سرمایه‌داری در حیات مردم آن ریشه عمیق پیدا نکرده است آن ترقی اجتماعی که در این کشورها تطبیق شود کدام است؟ آن عبارت است از رشد غیرسرمایه‌داری. نیز رشدغیرسرمایه‌داری برای کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق بعد از ایجاد نخستین کشور سوسیالیستی بحیث جواب در برابر مسایل ناشی از بیداری خلق‌های شرق، در تحت تأثیر اوضاع جدیدیکه در ۱۹۱۷ عرض وجود کرده بود، در ارتباط با مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی آن‌ها بوجود آمد. با این طرح دورنمای گذار به جامعه نوین مترقی و آزاد از استثمار، بدون طی مرحله سرمایه‌داری بروی خلق‌های شرق گشوده شد؛ و میان تهی بودن این ادعا باثبات رسید که جریان جنبش رهائی بخش باید با حصول استقلال سیاسی پایان یابد؛ و کشورهای که یوغ اسارت استعمار را بدور انداخته اند، ولی مواد کافی و دیگر شرایط لازم رشد سوسیالیستی را ندارند – که معمولاً سرمایه‌داری آن را بوجود می‌آورد باید بطور ناگزیر در چنگال سرمایه‌داری بیفتند. تجربه کشورهای آسیای مرکزی و منگولیا صحت این ادعا را بطور مکمل به اثبات رسانید.

در شرایط امروزی، معلومات جدید، به غنای تیوری و پراتیک راه رشد غیر سرمایه‌داری افزوده است. اولاً امکان تعقیب راه رشد غیر سرمایه‌داری برای اکثریت قاطع کشورهای نو به استقلال رسیده، بیک امر واقعی مبدل گردیده است، حالان که در سابق تعقیب راه رشد غیر سرمایه‌داری شرایط مساعد خاص از قبیل نزدیکی جغرافیایی و یا حتی همجواری با یک کشور مترقی را ایجاب میکرد؛ اما امروز بنا بر موجودیت سوسیالیزم جهانی، نه عقب‌ماندگی اجتماعی و اقتصادی، نه خوردی و بزرگی یک کشور، و حتی نه دوری از کشورهای مترقی، هیچکدام اهمیت قاطع ندارند. ثانیاً، در کشورهای نو به استقلال رسیدهٔ و کم رشد که راه ترقی اجتماعی را در پیش می‌گیرند اشکال جدیدتر و متنوع تر گذار به مرحله پیشرفته‌تر ترقی اجتماعی بوجود آمده است. ضرورت تنوع اشکال گذار ناشی از این است که در هر یکی از کشورهای مو به آزادی رسیده شرایط و امکانات بسیار متفاوت وجود دارد. بعضی از این کشورها از مناسبات نهایت درجه عقب‌مانده در راه آزادی اجتماعی گام برمی‌دارند، تسلط نیرومند این مناسبات در کشورهای مذکور ایجاب می‌کند تا بالضرور یک سلسله مراحل انتقالی را در طریق رسیدن به هدف غایی بپیمایند. در سال ۱۹۶۰ نظر به دولت دموکراسی ملی به حیث مناسب ترین شکل انتقال بسیاری از کشورهای عقب‌مانده بوجود آمد. در عین زمان، نیروهای مترقی به تکرار اعلان کرده‌اند که یگانه شکل نیست، بلکه اشکال دیگری نیز امکان‌پذیر است. ثالثاً، امکان دارد ائتلاف سیاسی ای که جریان گذار به راه رشد غیر سرمایه‌داری، راه رشد سوسیالیستی را رهنمایی می‌نماید در عده‌یی از کشورها – تحت بعضی شرایط به سر کردگی نیروهای دموکراسی انقلابی شروع گردد.

روشن است که در بعضی از مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق آزادی از امپریالیزم و گذار به رشد سوسیالیستی تحت رهبری مستقیم نیروهایی صورت گرفت که سرکردگی آن را احزاب مترقی بعهده داشتند. در این شک نیست که در صورت موجودیت شرایط عینی و ذهنی، دیگر کشورها نیز در این راه گام خواهند نهاد، ولی طوری که تجربه زندگی نشان می‌دهد، این یگانه راه نیست. در بسیاری مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق رشد سوسیالیستی پیش از آنکه تقسیم طبقات خصوصیت مشخص پیدا کند ضرور و امکان‌پذیر می‌گردد. در تحت چنین شرایط، وقتی‌که بورژوازی محلی ضعیف است و خود را به وسیله تلاش در راه کشاندن کشور به راه رشد سرمایه‌داری بی‌اعتبار می‌سازد و راه سازش با امپریالیزم را در پیش می‌گیرد، وقتی که طبقه کارگر هنوز نیروی رهبری کننده رشد اجتماعی نگردیده است، قشرهای متوسط نفوس – دهقانان طبقات متوسط پایین در شهرها و روشنفکران دموکرات – استقلال سیاسی را به دست می‌آورند و نقش فعال بازی می‌کنند؛ که دموکرات‌های انقلابی از منافع آن‌ها نمایندگی می‌نمایند.

دموکرات‌های انقلابی که شدیداً تحت تأثیر پیروزی‌های سیستم جهانی سوسیالیزم استند، با توده‌ها پیوند نزدیک دارند و در جستجوی اشکال و شیوه‌های مشخص می‌باشند که کشور را در یک مسیر سوسیالیستی سوق دهند.

پروگرام عمومی دموکراتیک دموکرات‌های انقلابی که نیم‌قرن پیش از امروز، صرف‌نظر از خواست‌ها مؤلفین آن، آن‌ها را بطور عینی در راه استقرار مناسبات سرمایه‌داری سوق می‌داد امروز، در تحت شرایط جدید از چوکات سرمایه‌داری تجاوز می‌کند و یک قسمت عمده و مهم خواست‌های پروگرام احزاب مترقی را در کشورهای نو به استقلال رسیده احتوا می‌نماید. جای شک نیست که این پروگرام در مبارزه سخت با ارتجاع تحقق می‌پذیرد. ارتجاع نه تنها از طریق پروگرام خود – قراردادن تشبثات خصوصی در برابر سکتور دولتی – به این پروگرام مخالفت می‌نماید، بلکه از طریق تلاش در راه از بین بردن محتوی انقلابی ضد امپریالستی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی نیز با آن به مبارزه می‌پردازد. ارتجاع می‌خواهد حتی از بیرون راندن انحصارات خارجی به نفع تقویه سرمایه محلی، از اصلاحات ارضی و جنبش کوپراتیف غرض توسعه و تحکیم مواضع دهاقین ثروتمند، از توسعه سکتور دولتی در راه بوجود آوردن یک بیروکراسی تجربه‌شده، از مردم استفاده نماید. عناصر مترقی به نقش انقلابی دموکرات‌ها در جنبش آزادی‌بخش ملی، در مبارزه مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق در راه ترقی اجتماعی اهمیت زیاد قایلند، خود زندگانی، منطق مبارزه انقلابی به دموکرات‌های

(ص ۳)

از (ص اول)

روز بین‌المللی ...

بسیاری حقوق آنان تلف می‌شود، درحالی‌که از لحظه یی که کودک پا به عرصه وجود می‌گذارد حقوقی به وی تعلق می‌گیرد که جامعه موظف به تأمین آن‌هاست، و همچنان موظف به حمایت از ایشان در برابر تمام مشکلاتی که مانع رشد جسمی، فکری اخلاقی و اجتماعی آنان می‌گردد؛ و وظیفهٔ دولت‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و غیره است که از آنان حمایت و پشتیبانی نمایند، زیرا کودک موجودیست نارس و از حقوق خود مانند بزرگسالان نمی‌تواند دفاع نماید.

بدین جهت پس از جنگ جهانی دوم سازمان‌های دفاع از کودک در بعضی از کشورها بوجود آمد و ملل‌متحد که اعلامیهٔ حقوق بشر را تصویب کرده‌اند، در اثر مبارزهٔ این سازمان‌ها ناگزیر، برای جلب توجه به خصوص دولت‌ها به کودکان »اعلامیه حقوق طفل «را در چهاردهمین اجلاس اسامبله عمومی خود در نوامبر سال ۱۹۵۹ تصویب و نشر کرد، اما همان طوری که اعلامیهٔ حقوق بشر از طرف بسیاری از دولت‌ها نقض گردیده، این اعلامیه نیز به دست فراموشی سپرده شده است.

در سر لوحهٔ اعلامیهٔ حقوق طفل گفته می‌شود که: »سلامت جسمی و فکری کودکان باید نخستین آرزوهای هر ملتی باشد «و سپس تأکید می‌شود: طفل باید برخوردار از حمایت خاص بوده و توسط قانون و وسایل دیگری امکانات و تسهیلات برای آنان فراهم گردد که از نظر جسمی، فکری، اخلاقی، روحی و اجتماعی بصورت صحیح و نورمال در شرایط مساعد، آزادی و احترام به شخصیت طفل، رشد و پرورش یابند، اما در کشور ما کمترین توجهی به حال کودکان مبذول نمی‌گردد، قسمت اعظم اطفال ما از گرسنگی رنج می‌برند. عدم تغذیه کافی و سوءتغذیه، مانع رشد فزیکی اطفال گردیده و از نظر فکری آنان را افسرده ساخته و به انحطاط می‌کشاند.

فرهنگ طبقاتی مانع عمده پرورش فکری و روحی کودکان است، مطابق تصمیم سازمان فرهنگی یونسکو که در سال ۱۹۶۰ بعمل آمد و تمام کشورهای عضو آن را متعهد شده‌اند، امکانات تحصیلات ابتدایی و اجباری و مجانی باید برای تمام اطفال فراهم گردد، لیکن در عیوض اکثریت مطلق کودکان ده و اطفال شهری در دوران که باید سرخوش و شاد درس بخوانند از حق تفریح و استراحت که برای پرورش آن‌ها لازم است مستفید گردند، با کار و زحمت آشنا می‌شوند، مزارع، کارگاه‌ها و بعضی از فابریکات کشور عرصه استثمار بیرحمانهٔ کودکان خورد سال است که بجای تحصیل به فروش نیروی کار خود مجبور شده‌اند. صاحبان بعضی از فابریکات از وجود کودکان بطور وحشیانه‌ای بهره‌کشی می‌نمایند و در عیوض تادیهٔ دست یک نفر کارگر بزرگسال سه نفر کودک را استخدام و از هر یک کار یک نفر کارگر بزرگ را می‌گیرند، تا اینکه بمیرد و یا از کار بازماند، مثلاً در فابریکات نساجی پلخمری و گلبهار یک تعداد زیاد اطفال کمتر از سن چهارده کارهای مشقت باری را مزد بخورونمیر دو تا دونیم صد افغانی در ماه انجام می‌دهند.

اکثر کودکان ما در آوان طفلیت به خطرات مواجه می‌گردند، تعداد زایشگاه‌ها، شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌ها فوق‌العاده محدود و بصورت نمونه و آن هم با وسایل و پروگرام تربیتی ناقص و فقط برای خانواده‌های ثروتمند جامعه میسر است.

حقوق اطفال بنا بر تبعیضات نژادی، لسانی و غیره پایمال می‌گردد و از این حق مسلم، که باید به زبان مادری خود تحصیل نمایند محروم‌اند، متأسفانه اکنون بجای اینکه بر این دردها بیاندیشند؛ هستند نیروهایی که به درو کردن خوشه‌های برومند زندگی کودکان مشغول‌اند. اگر مبارزه جسورانهٔ همه پدران و مادران می‌تواند این وضع را دگرگون سازد و سرنوشت کودکان را تغییر دهد. هیچ پدر و مادری نمی‌تواند از این مسئولیت سنگین شانه خالی کند. مبارزه علیه تیرروزی کودکان بدون تزلزل باید ادامه یابد تا تمام کودکان با آزادی کامل، تمام امکانات پرورش جسمی و روحی را در اختیار داشته باشند، از تمام مزایای امنیت اجتماعی برخوردار شده و وسیلهٔ آموزش و تفریح برای آنان فراهم گردد، تعلیم و تربیت اجباری و مجانی تمام ابرهای تیرهٔ جهل و بی‌سوادی را از زندگی‌شان بزدایند و بالأخره از تمام آنچه تفاوت نژادی را بار می‌آورد مصئون مانده، روح بگناه ایشان و آیندهٔ آن‌ها تیره و جریحه‌دار نگردد.

صنایع دستی و زندگی پیشه‌وران در کشور

بوت دوزان در سراشیب ورشکستگی

غرجستانی

از آنجایی که صنوف پیشه و رواهل حرفه در جنبش دموکراتیک و ملی در اتحاد با کارگران و دهقانان قرار دارند، پرچم بعد از این راجع به وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی و دفاع از خواست‌های ضروری ایشان طبق فقره چهارم امور اقتصادی مرام دموکراتیک خلق که می‌گوید: »حمایه صنایع دستی و کمک به اهل حرفه و پیشه‌وران به وسیله اعطای کریدتهای کم ربح طویل المدت از راه ایجاد کوپراتیفها «مقالاتی نشر می‌کند.

درین شماره راجع به وضع و خواست‌های صنفی بوت دوزان کشور که در ورشکست‌اند و آمادهٔ دفاع از خواست‌های خویش می‌باشند، می‌پردازیم.

هرگاه به کارگاه‌های کوچک صنعتگران و پیشه‌وران کشور در شهرها و دهات سری زده شود وضع فلاکتبار و کشنده این لشکر مردان، زنان، پیران و اطفال بیش از دو صد هزار نفری وجدان هر شریف را تکان می‌دهد.

عواید صنعتگران و شاگردان پیشه‌ور حتی مصارف نان خشک یک خانواده چهار نفری را تأمین کرده نمی‌تواند، واقعیت اینست که وضع زندگی ایشان طاقت فرساست. چندین رشته صنایع‌دستی و حرفه‌های معمول کشور بدون طی جریان طبیعی آن که جای خود را باید متدرجاً به تولیدات بزرگ داخلی می‌داد، بنا بر عدم توجه بحال طبقهٔ زحمتکش پیشه‌ور و حمایت و حمایت از آن‌ها در برابر رقابت خورد کنندهٔ اموال خارجی و به خصوص آن اجناسی که از نظر کیفیت برتری ای بر تولیدات صنایع دستی کشور نداشته، اما از لحاظ قیمت ها محصولات پیشه‌وری را به رکود و سقوط مواجه ساخته است که چنین وضعی پیشه‌وران و اهل حرفه ما را ورشکست و خانه‌خراب می‌سازد. بطور مثال ورود بی‌قید و بند و وسیع البسه مستعمل و هزاران جوره بوت کهنه امریکایی و بعض کشورهای دیگر، در سال‌های اخیر مصنوعات دستی مروجه از قبیل برک، کرک، الچه، منسوجات نخی و ابریشمی و صنعت بوت دوزی و بوت دوزان کشور را در موقعیت نامساعدی قرارداده است. هم اکنون چندین صد نفر بوت دوز سابقه‌دار و ماهر تنها در شهر کابل بنا بر تنگ شدن عرصهٔ فعالیت دست از کار کشیده‌اند و به فقر و بیخانمانی محکوم شده‌اند. تعداد بیشتر کارگاه‌های بوت دوزی شهر، که بیشتر از دو صد کارگاه می‌باشد، در آستانهٔ سقوط قرار دارند. اکثر این بوت دوزان با وصف اینکه از سالیان دراز به اینطرف درین پیشه مهارت زیادی کسب کرده‌اند اما از یکطرف زمینه کار دیگری برای ایشان وجود ندارد و از جانب دیگر بازار فروش برای مصنوعات آن‌ها روزتاروز محدودتر می‌گردد. به تنهایی در شهر کابل در حدود دو هزار نفر شغل بوت دوزی دارند ولی نیمه‌یی از آن‌ها بصورت قسمی و یا دایمی بیکار می‌باشند.

اگر از جمله بوت‌های توریدی از خارج، قسمتی از آن را برون ازین بحث پنداریم که بوت‌های خیلی پر تجمل و قیمتی است و جهت ارضای تفاخرات قشر معدودی از نازپرورده‌های اجتماعی از کشورهای اروپای غربی وارد و به قیمت‌های بلندی از هشتصد افغانی تا یک هزار و پنج صد افغانی فی جوره عرضه می‌گردد، سالانه به مقادیر زیادی بوت از هند و پاکستان و بعضی ممالک دیگر وارد می‌شود. گرچه در واقعیت امر، این نوع بوت‌ها نه از نظر قیمت و نه جنسیت با بوت‌های ساختهٔ دست بوت دوزان کشور، رقابت کرده نمی‌تواند، اما بنام بوت‌های خارجی مورد استقبال و استفادهٔ مردم قرار می‌گیرد. مشکل اساسی و عمدهٔ بوت دوزان ما در رقابت با بوت‌های کهنه امریکایی است که به تعداد فراوانی وارد و در تمام گوشه و کنار مملکت بفروش می‌رسد. این نوع بوت‌ها ظاهری فریبنده دارد، درحالی‌که هر یک آن قبلاً عمرش را به صاحبان اولی و اصلی‌اش بخشیده است. لیکن قیمت‌های آن‌ها چون به تناسب کوچکی نسبت به بوت‌های ساخت بوت دوزان ماهر کشور کمتر می‌باشد، مردم ترجیح می‌دهند که دفع‌الوقت کرده با آن بسازند.

اکنون یک جوره بوت کهنه امریکایی در بازار متناسب به مدتی که مورد استفاده قرار گرفته است و با در نظر گرفتن روحیهٔ خریدار از پنجاه تا یکصد و پنجاه افغانی فی جوره بفروش می‌رسد، درحالی‌که بوت‌های جدید وطنی بین صد تا دو صد افغانی فی جوره، اکثر با مراعات ذوق و سلیقه فرمایش دهنده بدسترس مردم گذاشته می‌شود، هرگاه برای بوت دوزان و پیزار دوزان ما حمایه و تسهیلات لازم فراهم گردد، آنان قادر خواهند بود که تنها از نظر تعداد نیاز مردم ما را به پاپوش در شرایط فعلی برآورده سازند، بلکه از نظر کیفیت و دوام نیز خواهند توانست با قسمت بیشتر انواع بوت‌های توریدی رقابت نمایند.

بوت دوزان ما علاوه بر مشکل عمده رقابت کشندهٔ بوت‌های کهنه امریکایی و بوت‌های جدید پاکستانی و هندی و کسادی عمومی بازار (بالخاصه در مواقع سرما که مردم بیشتر از موزه و کلوش استفاده می‌نمایند) بمشکلات دیگری نیز روبرو می‌باشند و آن موادخام مورد ضرورت صنعت بوت دوزی است که ۸۵ فیصد آن از قبیل چرم رویه، چرم تله، میخ، رنگ و غیره از خارج به خصوص هند و پاکستان وارد می‌گردد. چرم وارداتی هندی و پاکستانی بنا بر جنسیت پایین و قیمت بلند آن تأثیر ناگواری را بر صنعت بوت دوزی کشور وارد می‌آورد. چرم داخلی که در فابریکه چرمگری و بوت دوزی کابل و دستگاه کوچک چرمگری چهاریکار تولید می‌شود، هم از نظر جنسیت وهم قیمت نسبت به چرم هندی و پاکستانی مساعدتر است اما مقدار آن قلیل بوده و بدسترس بوت دوزان قرار نمی‌گیرد. در فابریکه بوت دوزی و چرمگری که سرمایه خارجی نفوذ دارد، هزاران چند پوست اعلی قبل از آنکه به چرم تبدیل گردد، بصورت نیمه عمل شده بشکل بیکل صادر می‌شود و ازین طریق مقدار قابل‌ملاحظهٔ اسعار به جیب یکی دو نفر تاجر و سهمدار خارجی که درین امر دست قوی دارند، می‌ریزد.

در پایان این بحث مختصر می‌توان گفت که هرگاه حکومت‌های افغانستان یک سیاست صحیح اقتصادی را تعقیب می‌کردند و اگر نظامی دموکراتیک و ملی در کشور استقرار می‌داشت، از طریق حمایه و تشویق و بهبود شرایط کار صنعتگران و پیشه‌وران شریف و زحمتکش وطن و تبدیل کارگاه‌های کهنه و قدیمی به کارگاه‌های جدید، ازین ناحیه کمک بزرگی با استفاده از تجارب اندوخته شده و مهارت‌های هزاران انسان مستعد و زحمتکش در امر شگوفانی اقتصاد افغانستان صورت می‌گرفت، درحالی‌که اکنون این گروه زحمتکش که از نظر منافع و موقف اجتماعی دارای خصلت ضد امپریالیستی و ضد استعماری استند، در سراشیب

در «ص ۳»

ادامه نهضت کارگری در فابریکه نساجی گلبهار

خلق زحمتکش افغانستان بمنظور تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک خود روز تا روز آگاهتر، هوشیارتر و متشکل‌تر می‌شوند، در برابر ظلم و ستم به حرکت می‌آیند و پرچم مبارزات پرافتخار کارگری را علیه استثمارگران برافراشته نگه می‌دارند.

موج جنبش کارگری در فابریکه نساجی گلبهار عصر چهارشنبه ۱۵ جوزا ظهور کرد و تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر شانزده جوزا ادامه داشت.

کارگران فابریکه نساجی گلبهار به تعقیب این اعتصاب و مطالبات قبلی خود مجدداً ساعت شش و نیم روز پنجشنبه در محلی بنام (نمازجای) در جوار فابریکه گلبهار اجتماع نمودند.

خبر می‌رساند: طلاب و شاگران لیسه میر مسجدی و متوسطه دهبالی مربوط مرکز کاپیسا بالترتیب به کارگران پیوستند، گروه کارگران شاگردان را با شور و نشاط بی‌نظیر استقبال کردند.

آمیختن این دو موج نیرومند، دهقانان پراگنده را نیز به حرکت آورد و تظاهرات عظیمی در حوالی گلبهار ایجاد کردند.

سیل خروشان صفوف کارگران، دهقانان، پیشه‌وران وشاکردان بسوی باغ عمومی گلبهار سرازیر گردید.

خبریال پرچم اطلاع می‌دهد که شعارهای عمده تظاهرکنندگان را ضرورت همبستگی نیرومند طبقه کارگر، دهقان و روشنفکران تشکیل می‌داد.

کاگران در جریان تظاهر غریو می‌کشیدند که: «زنده‌باد اتحاد طبقه کارگر و دهقان»، «پیروزباد نهضت کارگری»، مرده‌باد ارتجاع، استبداد، استعمار و امپریالیسم»، «پیروز باد جوانان آگاه و پیشرو»، «متحد باد صفوف رزمندهٔ کارگران، دهقانان و روشنفکران.»

تظاهر شورانگیز و الهام‌بخش خلق کارگر تا ساعت یک و سی دقیقه بعد از ظهر پنجشنبه ادامه یافت. کارگران و روشنفکران زندگانی غم‌انگیز و فلاکتبار خود را شرح می‌کردند. و یگانه راه نجات خود را در اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک و ترقی‌خواه جامعه اعلام می‌کردند.

مطالبات عمده کارگران را افزایش دست مزد، کوپراتیف، شرایط بهتر کار، تقلیل ساعت کار در روزهای پنجشنبه و بیمه صحی برای خانواده‌های کارگران تشکیل می‌داد. درین تظاهرات در حدود ده هزار کارگر، دهقان و شاگرد اشتراک داشتند. در پایان اجتماع که با بیانات و اشعار پر حرارتی توأم بود، اشترک کنندگان فیصله کردند که بروز یکشنبه دوباره اجتماع می‌نمایند و مطالبات قانونی خود را به مقامات مربوطه می‌سپارند. خبریال پرچم می‌افزاید که ولسوال و رییس فابریکه بعضی از مرتجعین محلی، متنفذین و اربابان کوهستان را در گازنوی فابریکه دعوت دادند تا جلو مبارزات مسالمت‌آمیز و قانونی زحمتکشان را بگیرند، ولی ارادهٔ نشکستنی خلق و واقعیت‌های عینی و سرسخت جامعه عکس آن را تثبیت کرد.

خبر می‌رساند: طلاب میر مسجدی کوشش کردند شاگردان متوسطهٔ گلبهار را در اشتراک به مظاهره تشویق کنند ولی ادارهٔ مکتب از اشتراک طلاب مذکور جلوگیری بعمل آورد.

پرچم: اعتصاب و اجتماعات باشکوه کارگران فداکار فابریکه نساجی گلبهار را که با اتحاد دهقانان ستمدیده و شاگردان آگاه و مبارز لیسه میر مسجدی، در کمال همبستگی و هماهنگی، با نظم آگاهانه برای تأمین مطالباتشان صورت گرفته، به گرمی استقبال می‌کنند و به مبارزه خویش در تأیید و پشتیبانی پیگیر ازین نهضت سالم و ثمربخش جداً ادامه می‌دهد.

تظاهرات کارگران، دهقانان

و شاگردان لیسه جبل‌السراج در ولایت پروان

روز شنبه (۱۱ جوزا) شاگردان لیسه جبل‌السراج با عده‌ای از کارگران، دهقانان و اهل کسبه در صحن لیسه اجتماع نمودند. هدف این اجتماع و تظاهرات چهار ساعته را که پیروزمندانه پایان یافت، مبارزه دستجمعی و قانونی علیه رشوه ستانی، کاغذ پرانی دوایر، ارتجاع، استبداد و ستم اربابان محلی و مبارزه علیه شیوه‌های نادرست اداره لیسه و پشتیبانی از مطالبات عمده خلق خاصه کارگران و دهقانان کم زمین و بی زمین تشکیل می‌داد.

درین تظاهر و اجتماع خواست‌های مبرم شاگردان، دهقانان، کارگران فابریکه نساجی و سمنت جبل‌السراج با وضاحت کامل انعکاس یافت. وحدت و یک پارچگی تظاهرکنندگان خود نشانهٔ احساس دردهای مشترکی بود که عناصر آگاه خلق جبل‌السراج را بهم پیوند و جوشش خلل‌ناپذیر بخشید و علی‌رغم تلاش‌های ناکام صاحبان امتیازات محلی و مرتجعین آن گوشهٔ کشور، بصورت متحد پرچم مبارزات قانونی خود را برافراشتند.

مطالبات عمده شاگردان درین اجتماع مسالمت‌آمیز عبارت بود از تغییر شیوه‌های اداره اختناق آور قرون‌وسطایی مکتب و تقرر آمری که به ایجابات عصر و زمان کم و بیش آشنا باشد، با درک ارزش‌های قانون اساسی و خصوصیت دوران معاصر بمسایل برخورد دموکراتیک بنماید.

زیرا اداره‌کنندگان موجود لیسه به کردار مربیان کهن در برابر شاگردان روش خشونت‌آمیز دارند، به تشکیل کنفرانس‌ها در داخل لیسه اجازه نمی‌دهند. سانسور فکر و بیان روز بروز شدیدتر می‌شود. جرأت و شهامت انتقاد صحیح، سالم و منطقی را در شاگردان می‌کشند. حتی اولیای متعلمین را به اداره بنونځی خواسته تهدید می‌کنند که فرزندان خود را سرزنش نمایند تا چشم و گوش آنان باز نشود و به مسایل عمومی ملی علاقمندی پیدا نکنند.

تقاضای دیگر شاگردان این بود که باید برای علوم طبیعی لابراتوارها مهیا گردد و دروس عملی و نظری با هم تألیف گردد همچنان شاگردان از ضیقی تعمیر، حیاط لیسه محلی برای ورزش، تفریح و گشت و گذار آنان وجود ندارد.

نظر شاگردان در این مورد این بود که مناسب‌ترین محل برای لیسه در حال حاضر ارگ جبل‌السراج بوده می‌تواند.

اما دهقانان، اهل حرفه و زحمتکشان دهات جبل‌السراج و سید خیل مطالبات دیگری دارند.

مردم جبل‌السراج فریاد می‌کشیدند که طبعیت صرف آب فراوان و هوای خوش به آنان ارزانی کرده است. این آب که از دره سالنگ فرومی‌ریزد در جبل‌السراج به نفع مردم لگام زده شده است؛ و از آن برق و انرژی تولید می‌گردد. شکایت دهقانان جبل‌السراج این است که چرا در کنار آب مست و خروشان سالنگ شب و روز به تشنه‌لبی می‌گذرانند، حاصلات و کشت‌های آنان از خشک آبی می‌سوزد. باید به ایشان بدون هرگونه واسطه و غیره حقآبه بدهند و از برق آن قراء دور و نزدیک جبل‌السراج و سید خیل استفاده نمایند.

همچنان عده‌یی از کارگران جبل‌السراج افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و تهیه وسایل حمل‌ونقل را تقاضا می‌کردند. آنان می‌گفتند: »مزد ما اندک است، دیگر نمی‌توانیم وضع توانفرسای موجود را تحمل کنیم و ... «کارگران درین مطالبات خود از پشتیبانی کلیه تظاهرکنندگان برخوردار بودند.

حق‌به‌جانب بودن آفتابی خلق و شاگردان لیسه را ازین جا می‌توان درک نمود که حتی والی پروان تشبثات معاون لیسه را خلاف مصالح و منافع مردم و خلاف ارزش‌های قانون اساسی و مقررات موجود معارف تلقی کرده و فوراً دست او را از کار گرفت.

تظاهرکنندگان در پایان اجتماع چهار ساعته خود از مطالبات قانونی کارگران، دهقانان و شاگردان کوهستان پشتیبانی کردند، و ضرورت همبستگی کلیه خلق‌های افغانستان را در مبارزه مشترک علیه متنفذین محلی، ارتجاع، استبداد و استعمار تأیید نمودند و تظاهرات با موفقیت کامل ساعت دوازده ظهر مذکور پایان یافت.

اعتصاب کارگران فابریکه جنگلک

هنوز ادامه دارد

به دنبال اعتصاب و تظاهرات قبلی، کارگران فابریکه جنگلک در هفتهٔ گذشته نیز به اعتصاب خود ادامه دادند و اعلام نمودند که تا سرحد برآورده شدن مطالبات صنفی و اقتصادی خود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

در اعتصابات و تظاهرات گذشته مقامات وزارت معادن و صنایع و بیک سلسله وعده‌ها و فرصت‌طلبی‌ها دست زدند و وعده دادند که حقوق و مطالبات کارگران را تأمین نمایند. ولی در عمل تا کنون کوچکترین گامی درین راه برداشته نشد.

قرار اطلاع، کارگران مبارز جنگلک بروز یازده جوزا در شهر کابل دشت به تظاهر زدند و به تعقیب آن به اعتصاب پیهم داخل فابریکه پرداختند. گرچه مقامات مربوط برای اغفال، پراگنده کردن و خاموش ساختن کارگران به حیل گوناگونی متوسل شدند ولی آنان تا کنون به خاطر تأمین خواست‌های قانونی، صنفی و اقتصادی خود پیگیرانه به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

پرچم: بنا بر مأموریت تاریخی خود از مطالبات کارگران جنگلک جداً پشتیبانی می‌نماید.

آغاز مذاکرات هیأت نمایندگان

کارگران نساجی پلخمری با مقامات مسؤول شرکت نساجی

طوری که در شماره سیزدهم پرچم اطلاع داده شد، کارگران نساجی پلخمری بخاطر خواست‌های قانونی و صنفی خود به اقدامات و مقاومت‌هایی علیه کارفرمایان پرداخته‌اند.

خبریال ما به تعقیب اخبار گذشته اطلاع می‌دهد که کارگران مبارز و هوشیار نساجی پلخمری علی‌رغم کوشش فتنه‌انگیزان موفق شدند، نهایی هیأت مدیره شرکت یک هیأت نمایندگان را جهت مذاکرات نهایی با هیأت مدیره شرکت نساجی به کابل اعزام دارند. قرار معلوم نمایندگان کارگران در کابل روی خواست همرزمان خود جداً پافشاری می‌کنند و هرگونه تطمیع، تهدید و تخویف را رد کرده‌اند. نمایندگان این کارگران گفته‌اند که در صورت عدم اعتنای هیأت مدیره شرکت نساجی به خواست‌های قانونی کارگران و ناکامی مذاکرات ایشان با هیأت مدیره، مسؤولیت عواقب قضایای ناشی ازین ناکامی بدوش کارفرمایان نساجی و هیأت مدیره شرکت خواهد بود.

پرچم: با درکی که از جریان جنبش کارگری دارد، پشتیبانی جدی خود را از موقف قانونی ایشان اعلام نموده و عقیده دارد که مسؤول عواقب ناشی از ناکامی مذاکرات کارگران با هیأت مدیره که در موضع غیرقانونی مقاومت کرده است، خواهد بود.

از (ص اول)

استیضاح وکیل فیضان ...

خلق‌های کشور تجاوز نموده‌اند، و کیسه‌های مردم را خالی کرده‌اند، و جز پوست و استخوان برای آن‌ها باقی نمانده‌اند و ثروت و ملکیت‌های نا مشروع از دارایی دولت و خلق به دست آورده اند به محاکمه کشانیده شوند و مجازات گردند و ملکیت‌های غصب شده به «بیت المال» تحویل داده شود.

- باید در راه تعدیل قوانین کهنه و ضد مقتضیات عصر و ضد ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی و به تدوین و وضع قوانین جدید دموکراتیک به نفع خلق کشور جداً اقدامات بعمل آید.

- تساوی حقوق سیاسی، اجتماعی، اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان کشور هرچه زودتر تأمین گردد.

- باید علیه ارتجاع، نشر و شیع خرافات و فحشاء، اعتیاد به تریاک، چرس و الکول و دیگر مفاسد اخلاقی مبارزهٔ جدی صورت گیرد.

بناغلی اعتمادی صدراعظم!

در خاتمه خاطرنشان می‌گردد: علی‌رغم اینکه ما معتقدیم که حکومت شما بنا بر ماهیت طبقاتی آن، قادر به اجرای این وظایف اجتماعی نیست، معهذا منظور ما از ارائه فهرست خواست‌ها و مطالب ضروری اجتماعی م مبرم روز خلق کارگر کشور است تا دیده شود که حکومت در برابر این مسایل جدی چه موقف و تصمیمی دارد، چه درک دارد و تا کنون درین باره حداقل چه اقداماتی نظری و عملی در زمینه از طرف حکومت بعمل آمده است؟ و آیا حکومت ضرورت حل این مسایل اجتماعی را تشخیص داده است؟ در برابر عواقب ناشی از عدم حل این مسایل اجتماعی احساس مسئولیت می‌کند یا نه؟

انتظار توضیحات مشخص را در مسایل اجتماعی فوق داریم.

از (ص ۲)

صنایع دستی ...

ورشکستگی و سقوط قرار دارند و چه مصنوعات عالی دستی ظریف و زیبای کشور که قربان دیو بیرحم استعمار نوین نمی‌گردد!

پس صنعتگران و پیشه‌وران ارجمند کشور! اتحادیه‌های صنفی خود را تشکیل دهید! در مبارزه علیه استعمار نوین و ارتجاع داخلی و خارجی شرکت کنید!

راه نجات شما در پیروزی نهضت دموکراتیک و ملی وطن محبوب ما افغانستان است.

روزگار تباه دهقانان ولایت نیمروز

بناغلی (ع.ق.ف) راجع به وضع دهقانان ولایت نیمروز به ما می‌نویسد:

«ولایت نیمروز که ۹۵٪ جمعیت آن را دهقانان تشکیل می‌دهد تحت استثمار ۵٪ ملاکان و اربابان بزرگ استثمارگر قرار دارد. طبقه وسیع دهقانان درین سرزمین اراده خود را در قبال نفوذ و قدرت ملاکان و خوانین بکلی از دست داده‌اند. ایشان که از هرگونه آزادی محروم شده‌اند، حتی در امر ازدواج دختران خود اختیاری ندارند. ازدواج‌ها به اشاره ملاکان و خوانین مربوط شده است. خان می‌تواند دختر هشت ساله دهقان خود را به پیرمرد هفتاد ساله‌یی نامزد نماید، اگر بالفرض دهقانی از تعمیل همچو اوامر سرکشی کند، مستقیماً مورد ضرب و شلاق قرار می‌گیرد و اگر این سرکشی ادامه یابد، متمرد به وسیله مأموران مربوط دولت که به اساس مناسبات کهنه به ارباب روستا وابستگی دارند، به خدمت همچو دهقانان می‌رسند، با شکنجه و تهدید هرچه را ارباب خواسته باشد بروی تحمیل می‌کنند. به این شکل زحمتکشان ولایت نیمروز که از دسترنج ایشان عده‌یی از ستمگران عالی ترین زندگی را برای خود فراهم کرده‌اند، تحت اسارت مرگ‌آوری بسر می‌برند.

درین اواخر که قانون املاکی امکان تملک اراضی لا مزروع دولت را به دهقانان داد، گروه محروم دهقانان صدها قطعه درخواست و عرایض جهت آباد کردن و تملک این اراضی به دولت سپردند؛ اما نتیجه این بود که مأمورین فاسد با ملاکین ستمگر بشیوه همیشگی دست اتحاد داده حیله‌ها بکار بردند و قطعات قابل زرع املاک دولت را به وسیله واترپمپ‌ها آبیاری و تملک کردند و با استثمار بی‌رحمانه‌تر دهقانان پرداختند ستمگران ستمگرتر شدند و دهقانان ستمدیده‌تر.

آرزو دارم فریاد بی‌صدای دهقانان و بی‌دفاع نیمروز را توسط پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق به وطن‌پرستان و حامیان خلق رسانیده و دولت را به این رویه ظالمانه مأمورین محل و روش محکوم و فرسوده‌شان متوجه نموده و حمایت توده وسیع مردم را جلب نمایند.»

پرچم: وضع دهقانان ولایت نیمروز را بحیث یک تراژیدی ننگین و شرم‌آور در تاریخ معاصر کشور دانسته و حمایت کامل خود را از دهقانان نجیب این ولایت اعلام می‌دارد و بار دیگر جداً خواست خود را نسبت اصلاحات عمیق و دموکراتیک ارضی به نفع دهقانان تأیید می‌کند

از (ص ۲)

وضع کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی

بالای رشد اجتماعی این کشورها وارد می‌نماید می‌باشد. البته هرگاه سیستم جهانی سوسیالیزم وجود نمی‌داشت راه رشد غیر سرمایه‌داری بروی بسیاری از کشورهای که از اسارت استعمار آزادشده‌اند، مسدود بود. بنا بر تشکیل و انکشاف سیستم جهانی سوسیالیزم و ضعیف از ریشه تغییر کرده است. این کشورها می‌توانند از راه استقرار مناسبات، استفاده از تجارب و کمک‌های سوسیالیزم جهانی بدون طی مرحله سرمایه‌داری در راه هدف غایی گام نهند.

- ٤ -

سوسیالیزم جهانی نقش مهمی را در بوجود آوردن شرایط مساعد برای ترقی اجتماعی در کشورهای کم رشد و در راه رشد غیر سرمایه‌داری آن‌ها بازی می‌نماید. جلو مساعی امپریالیزم را در راه عقب برگردانیدن پیشرفت این کشورها، که راه ترقی اجتماعی را در پیش‌گرفته‌اند، می‌گیرد و تلاش آن را در صدور ضد انقلاب به این کشورها محدود می‌نماید و یا آن را بکی فلج می‌کند. نیروی فشار سیاسی و اقتصادی را که امپریالیزم بر این کشورها وارد می‌نماید کم و خنثی می‌سازد و از طریق مختلف به آن‌ها کمک می‌نماید.

کمک‌های کشورهای سوسیالیستی به این کشورها امکان می‌دهد که خود را با کمترین تلفات از سیستم اقتصادی سرمایه‌داری نجات دهند و یا کم از کم وابستگی خود را به آن کم نمایند. امدادی را که کشورهای سوسیالیستی به کشورهای کم رشد در تربیه متخصصین ملی، ساختن سیستم معارف عمومی، احیای فرهنگ ملی آن‌ها می‌نمایند، امپریالیست‌ها را از اهرام مهم اعمال نفوذ معنوی در حیات اجتماعی این کشورها و وسیله پخش نظرات ارتجاعی و ضد سوسیالیستی محروم می‌سازد. نمونه سیاست و ایدیولوژی سوسیالیستی نفوذ عظیمی را بطور روزافزون در انکشاف اجتماعی کشورهای کم رشد اعمال می‌کند. یکی از رهبران الجزایر در مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه اونیتا اظهار داشت که ساحه کمک‌های کشورهای سوسیالیستی به الجزایر تنها محدود به کمک‌های اقتصادی نیست، بلکه شامل کمک‌های ایدیالوژیکی و مبادله تجارب علمی و انقلابی کمک و رهنمایی می‌نماید تا نقش برجسته طبقه کارگر را در حیات اجتماعی درک نمایند و اهمیت فوق‌العاده بزرگ سوسیالیزم علمی را احساس کنند. از همین جهت است که عناصر مترقی در کشورهای نو به آزادی رسیده از سیاست اتحاد با دموکرات‌های انقلابی پیروی می‌نمایند، دکترین نقش رهبری کنندهیی که دموکرات‌های انقلابی در ترقی اجتماعی بعضی از کشورهای نو به آزادی رسیده بازی می‌نمایند، با مفکوره مترقی راه رشد غیر سرمایه‌داری کاملاً مطابقت دارد. طرح نظریه راه رشد غیر سرمایه‌داری برای کشورهای عقب‌ماندهیی که در آن‌ها بنا بر رشد بسیار پایین یا فقدان روابط سرمایه‌داری (فورمول بدون طی مرحله سرمایه‌داری از همین جا بوجود آمده است) عملاً طبقه کارگر وجود ندارد، صورت گرفته است. غیر از هر نوع برخورد دیگر به این مسأله کشورهای عقب‌مانده را که در اکثر آن طبقه کارگر وجود ندارد و اگر هست بسیار ضعیف است و احزاب کارگر در آن‌ها موجود نیست، محکوم می‌نماید تا بطور پاسیف و عقیم در انتظار زمانی بنشینند که در آن طبقه کارگر بوجود آید و باز بیک نیروی رهبری کننده مبدل گردد و دکتاتودی آن ممکن شود. طرح مسأله به این شکل مساوی به اعتراف به ناگزیری پیروزی سرمایه‌داری در این کشورها می‌باشد.

واضح است که اگر راه رشد غیرسرمایه‌داری در آن کشورها رد می‌گردد، تشکل طبقه کارگر تنها از راه انکشاف و تحکیم مناسبات سرمایه‌داری ممکن می‌باشد. که این در حکم عدم ایمان به امکانات انقلابی توده‌های ملیونی مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق و تأثیری که سوسیالیزم جهانی نظری و تمام امکاناتی‌ست که انقلاب الجزایر را در مسیر سوسیالیزم سوق می‌دهد.

لذا مسأله مورد بحث تنها این نیست که سوسیالیزم جهانی به حیث یک پشتیبان و نگهبان انکشاف مستقل و مترقی کشورهای کم رشد خدمت می‌کند، بلکه وظایف طبقاتی امداد جهان سوسیالیستی که به کشورهای روبه انکشاف می‌نمایند نیز مورد بحث می‌باشد. سیستم سوسیالیستی بحیث نیروی پیشرو انقلاب جهانی، نقش رهبری پرولتاریا را بازی می‌کند. طبقه کارگر کشورهای سوسیالیستی به مثابه طبقه رهبری کننده متشکل، از نیروی ملی به نیروی بین‌المللی تکامل نموده است و نسبت به دهقانان و توده‌های نیمه پرولتری مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق بحیث یک پیش‌آهنگ نیرومند پرولتری عمل می‌کند. این وضع امکانات تاریخی آغاز انقلابات ملی را در این کشورها وسیع ساخته و زمینه‌های مساعدی برای پیروزی کامل آن‌ها بوجود آورده است.

اکنون که سیستم جهانی سوسیالیستی وجود دارد، و جنبش طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بیک نیروی عظیم بین‌المللی مبدل شده است، باید مسأله هژمونی پرولتاریا، یعنی نفوذ سیاسی آن بر دیگر گروپ‌ها، به شمول قشرهای متوسط نه تنها از نظر ملی، بلکه از نظرگاه بین‌المللی نیز مورد بحث قرار گیرد. پس دیگر درست نیست که گفته شود، در آن عده از کشورهایی که طبقه کارگر متشکل وجود ندارد، یا ضعیف است و هنوز حزب خود را بوجود نیاورده است طبقه کارگر بین‌المللی و نیروهای سوسیالیزم علمی در حیات اجتماعی آن‌ها تأثیر وارد نمی‌کند. به خصوص ایجاد مناسبات دوستانه این کشورها با دولت‌های سوسیالیستی نادرستی این استدلال را به خوبی ظاهر می‌سازد. موجودیت سیستم جهانی سوسیالیزم و جنبش نیرومند طبقه کارگر در کشورهای امپریالستی توأم با شرایط معین داخلی، عامل تاریخی را تشکیل می‌دهند که این کشورها می‌توانند به کمک آن بر مبنای اتحاد وسیع طبقاتی و آرایش جدید نیروهای طبقاتی در راه ترقی اجتماعی، راهی که به سوسیالیزم منجر می‌شود، گام نهند.

با موجودیت این عوامل در عده‌یی تز کشورها، در تحت رهبری دموکرات‌های انقلابی، امکان دارد اشکال بسیار متنوع انتقال بوجود آید.

عناصر مترقی از تنوع بیشتر اشکال انتقال به این نتیجه می‌رسند که بعضی از کشورهای کم رشد، دموکرات‌های انقلابی از جهتی می‌توانند بحیث عامل عمده ترقی اجتماعی عمل کنند که سوسیالیزم بیک سیستم جهانی مبدل شده است. عناصر مترقی این استنتاج را دلیل بر رشد و غنای مزید پرنسیپ کلی نقش رهبری کننده طبقه کارگر در گذار سرمایه‌داری به سوسیالیزم می‌دانند.

از آن رو روابط بین جنبش آزادی‌بخش ملی ملت‌های جوان و نیروهای سوسیالیزم جهانی در مرحله کنونی اهمیت خاص دارد. این موضوع محضاً پرابلم مناسبات بین‌المللی کشورهای نوبنیاد و یا به تعبیر سیاست‌مداران غرب »جهت گیری در سیاست خارجی «این کشورها نمی‌باشد. مسأله اینست که نیروهای آزادی ملی به اتکأ به سوسیالیزم جهانی و استفاده از تجارب آن و با به کاربردن ایدیولوژی علمی آن، از اوضاع معاصر جهانی **به نفع پیشبرد مبارزه‌شان تا کدام اندازه استفاده کرده می‌توانند.**

سرنوشت و دورنمای جنبش‌های آزادی‌بخش معاصر وابسته به شیوه برخورد به این مسأله است.

برای کشورهای نو به آزادی رسیده‌یی که راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفته‌اند، تحکیم روزافزون نزدیکی و ارتباط با ملت‌های سوسیالیستی، حیثیت قانون رشد و تکامل را دارد.

اگر تأسیس روابط نزدیک و همکاری فعال با جهان سوسیالیستی **شرایط ضروری بین‌المللی** برای پیشرفت مؤفقانه کشورهای جوان به سوی سوسیالیزم، در تحت رهبری دموکرات‌های انقلابی باشد، پس پیوستگی نزدیک تمام نیروهای که در این کشورها در راه سوسیالیزم مبارزه می‌کنند و سهم گرفتن فعال آن‌ها در اصلاحات اجتماعی و بسط تدریجی دموکراسی اجتماعی و سیاسی **شرط حیاتی داخلی** چنین انکشاف را تشکیل می‌دهد.

(باقی دارد)

پرچم: درحالی‌که بی‌بندوباری دستگاه اداری و نمایندگان معارف را درین گوشهٔ کشور جداً محکوم می‌کند تظاهرکنندگان را در مورد مطالبات قانونی‌شان حمایت می‌نماید و همبستگی و یک پارچگی آنان را در امر مبارزه به خاطر تأمین حقوق تلف‌شدهٔ ایشان به گرمی می‌ستاید و در راه تحقق هدف‌های قانونی آنان مبارزات خود را دنبال می‌کند.

پرچم
د افغانستان د ځلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

رویدامطالبات کارگران شجاع سپین زر
و تظاهرات شاگردان دارالمعلمین و لیسهٔ شیرخان در کندز

خبریال پرچم از کندز اطلاع می‌دهد که طلاب دارالمعلمین و شاگردان لیسهٔ شیرخان بخاطر پشتیبانی از جنبش کارگران بروز ۱۳ جوزا در خیابان‌های شهر کندز دست به مظاهره زدند. شاگردان ضمن مظاهره نفاق‌افگنان بین صفوف طلاب را افشا کردند و بخاطر همبستگی و اتحاد شعارها دادند.

خبریال می‌افزاید که تظاهرات شاگردان بروز ۱۲ جوزا میز ادامه پیدا کرد. مظاهرات در روز دوم خود از طرف گروه بزرگی از زحمتکشان و اهالی شهر استقبال شد و بیانیه دهندگان عده‌یی از مأموران رشوه ستان و ستمگران محلی را افشا نمودند. قرار معلوم پولیس و ژاندارم کندز که مظاهره را تحت مراقبت گرفته بودند، چهار تن از تظاهرکنندگان را خلاف قانون برای سه ساعت توقیف نمودند.

به دنبال این تظاهرات همهمه جنبش کارگران و مأموران پایین رتبه سپین زر ظاهر شد و کارگران به تدارک یک مقدمات یک اعتصاب پرداختند. و خواست‌های خود را به ریاست سپین زر شرکت سپردند.

خبر می‌رسد که مقامات اداری سپین زر شرکت مجبور شدند که قبل از مواجه شدن به اعتصاب کارگران روی مطالبات ایشان برای بحث و فیصله حاضر شوند. قرار معلوم بروز ۱٤ جوزا یک هیأت شش نفری نمایندگان کارگران سپین زر شرکت جهت مفاهمه با کارفرمایان شرکت به کابل مواصلت کرد. قرار اطلاع خبریال پرچم، نمایندگان این هیأت مردان وفادار به همصنفان کارگر خویش تطمیع ناپذیر امانتکار و صدیق استند و با دلیری و تدبیر عمل می‌کنند. تا کنون که این خبر در دست تحریر است، نتایج نهایی مذاکرات نمایندگان کارگران با مقام صلاحیت‌دار سپین زر و کار فرمایان به دست نیامده است. مواد مطالبات کارگران سپین زر با متن درخواست ایشان قرار آتی است:

«بمقام محترم ریاست سپین زر شرکت!

شرایط هشت ساعت کار پرمشقت عقب ماشین‌های پر از گرد و خاک و شدت حرارت و وضع کنونی قیمت اشیای ارتزاقی بر تنقیص معاشات و امتیازات مادی و معنوی و روحی و جسمی مایان قوس صعودی را می‌پیماید. ناگزیر است مواد ذیل را به عرض رسانیده توجه اولیای امور موسسه را یک بار دیگر در حال و زندگی خود معطوف سازیم.

۱ – برای کارگرانی که کوپراتیف ندارند کوپراتیف داده شود. کوپراتیف جنس داده شود، اگر نقد داده می‌شود کمافی‌السابق مطابق قیمت روز بازار تادیه شود، نه به قسم ستندرد موجوده.

۲ – کارگران فابریکه ذخیره خود را با مفاد از نزد شرکت تقاضا دارند. در عالم محرومیت از کار تقاعد را حق مسلم خود می‌دانند.

۳ – معاش کارگران بدون چوکات رتبه از روی لیاقت و سابقه کارشان با در نظر گرفتن حد اوسط مصرف یک فامیل هفت نفری تعیین گردد.

٤ – روزهای پنجشنبه در تمام دوایر دولتی و مؤسسات تصدی حاضری الی ۱۲ بجه بوده، اما در موسسه سپین زر حسب‌الخواهش کارفرمایان طبق دیگر روزها هشت ساعت کار است. باید این تبعیض برداشته شده، روزهای پنجشنبه حاضری الی ۱۲ بجه باشد.

٥ – رخصتی تفریحی: ضروری و مریضی مجموعاً سالانه هفتاد روز بوده ۲۰ روز رخصتی ضروری روی کدام اسناد و دلیل برای کارکنان و کارگران موسسه منظور نمی‌شود.

٦ – در نظامنامه خود موسسه واضح است کسانی که در طول سال از رخصتی خود استفاده نکره بکار موسسه حاضر باشند، پول عوض آن را باید به مدیریت مأمورین پیشنهاد نموده، امر حاصل و به، مستحقین آن بپردازد، اما نمی‌دانیم روی کدام علت این ماده که به نفع مایان است اجرا نمی‌شود؟

۷ – مواد تولیدی موسسه از قبیل روغن، صابون، کنجاره، و پوستک که از رنج و مشقت و پشتکار و عرق جبین کارگران عرض وجود می‌کند، باید به نرخ تمام شد موسسه در مقابل پول نقد به کارگران و کارکنان موسسه تادیه گردیده، سالانه یک مقدار پنبه محلوج نیز طور سهمیه به نرخ تمام شد به کارگران و کارکنان موسسه جهت رفع حوایج فامیلی‌شان در مقابل پول نقد تادیه شود.

۸ – معاش بخششی بیلانس هر سال دهندگان عده‌یی از مأموران رشوه ستان در ختم همان سال باید به مستحقین تادیه شود، نه باید به منفعت چند نفر شرکاء چند سال معطل گردد.

۹ – یک امر مسلم است که قوه و مشقت اضافه‌تر کار بالای کارگران و کاتبان و غیره کارگران خورد پایه موسسه بوده، آمرین شعبات و دستگاه‌ها جز هدایت و فرمایش کاری ندارند؛ اما در حین تادیه و تقسیم فیصدی مفاد بیلانس، نفری فوق در هیچ قطار نیامده، باز هم بنام برجسته، آمرین مذکور پول زیادی را می‌گیرند و در راه تشریفاتی و تزئیناتی مصرف می‌کنند. کارگران و کارکنان خورد پایه جز الم و حسرت چیزی نصیب نمی‌شوند. باید این موضوع نیز جداً در نظر گرفته شود.

۱۰ – بیمه صحی قسمی که سپین زر معیار گذاشته قانونی نبوده، مریض باید به تناسب مریضی طبق نظریه دوکتور معالجه و تداوی شود تصدیق وزارت صحیه درین جا ارزش قانونی ندارد لطفاً واضح سازید ارزش آن روی کدام اسناد از بین رفته؟

۱۱ – اکثر کارگران و کارکنان بی‌وسیله خانه بدوش بوده از معاش ششصد افغانی، سه صد افغانی آن را کرایه‌خانه می‌پردازد. شرکت جداً در این مورد اقدام خواهد کرد یا اینکه خانه برای آن‌ها و یا اینکه کرایه‌خانه که از سه صد افغانی کمتر نباشد داده شود.

۱۲ – قراری که در نظامنامه شرکت درج است که حد اقل قرارداد شش ماه بوده و حد اکثر آن دوسال شما روی کدام اسناد سه ساله قرارداد می‌کنید؟

۱۳ – قراری که شنیده می‌شود پول خدمتی نظر به فیصلهٔ شرکت خودسرانه بوده، کدام اسناد اصولی موجود نیست. باید طبق اصول اجرا شود.

۱٤ – در موسم تابستان ساعات کار در دیگر دوایر دولتی و مؤسسات تصدی تا ساعت دو می‌باشد، اما در موسسه سپین زر باز هم تا ساعت پنج عصر دوام دارد، باید درین موضوع اقدام جدی شود.

۱٥ – در حصه ترفیعات مأمورین پایین رتبه و مأموران فنی که از اول سال ۱۳٤٦ تا حال مستحق ترفیع نشده و درین قسمت سهل‌انگاری زیاد شده باید مقامات صلاحیت‌دار موسسه جداً متوجه شوند.

قرار شرح فوق تکالیف و مشکلات خودها را در قید (۱٥) ماده فوق به مقام ذیصلاح موسسه سپین زر به عرض رسانیده جواب مثبت و یا منفی مدلل و منطقی آن را سریعاً طالبیم...»

اخراج غیرقانونی یکتن از متعلمات لیسه

شاهدخت بلقیس

اخیراً یک تعداد از متعلمات لیسه شاهدخت بلقیس به اداره جریده اطلاع دادند که یکتن از شاگردان صنف یازده لیسه مذکور بدون کوچک‌ترین دلیل قانونی به جرم داشتن ذهن روشن و نظریات انتقادی مخصوصاً نسبت به سوء اداره مکتب از لیسه خارج شده است.

این وضع غیرقانونی باعث تولید انزجار شدید متعلمات لیسه، مخصوصاً همصنفان وی گردیده و فضای عدم مصونیت و اعتماد را نسبت به ادارهٔ لیسه ایجاد کرده است.

درحالی‌که این رویهٔ خلاف قانون و خودسرانه مقام مدیریت لیسه مورد تقبیح قرار می‌گیرد، احساسات پاک و حق‌طلبانهٔ متعلمات لیسه در برابر این عمل نسبت به اخراج متعلمهٔ هم صنفشان جداً پشتیبانی می‌شود.

نشر دقایق و عوامل اخراج متعلمه مذکور با جزئیات طرزالعمل مدیریت لیسه در آینده به مطالعهٔ خوانندگان ارجمند تقدیم می‌شود.

کوچیانی که در رنج انتظار می‌سوزند

هفته گذشته چند تن از هموطنان کوچی ما، به نمایندگی چندین صد فامیل خانه بدوش، به ادارهٔ پرچم روی آوردند و تقاضا کردند تا وضع رقت‌بار ایشان را از راه جریده به هموطنان برسانیم.

هموطنان زحمتکش کوچی از بی‌نظمی، ستم و فساد بیروکراسی عمیقاً منزجر شده و از شیوه نادرست بیروکراتان فاسد و متنفذین کوچی و محلی که مؤیدین این شیوهٔ استند فریاد می‌کشیدند. خواست این آوارگان بیابان‌گرد که نه در زندگی سایه‌یی دارند و نه در مرگ گورستانی درین نکات خلاصه می‌شود: زمین، خانه، معارف، صحت.

این گروه از هفت سال به اینطرف در زیر نام «ناقلین» برای تملک یک قطعه زمین که از آن امرار زندگی کنند، انتظار کشیده‌اند. انتظار هفت ساله آن هم برای خلقی که بجز آسمان سقفی ندارند!

بیروکرات‌ها، منتظرین کوچی‌ها را درین هفت سال به وعدهٔ (فردا) فردایی که هنوز از مادر زمان نزاده است فریفته‌اند.

پرچم: به بیروکراتان فاسد تذکر می‌دهد که: اینان فرزندان وطن‌اند و فردا، فردایی که ظالمان و مفسدان را در برابر عدالت و بازپرس قرار دهد، رسیدنی است. در انجام توجه زحمتکشان کوچی را در همین شماره به بیانیهٔ پارلمانی بشاغلی فیضان وکیل رودات ننگرهار، عضو فرکسیون دموکراتیک خلق معطوف می‌دارد، دموکراتیک خلق در هر مکان و در هر زمان ممکن، از حقوق زحمتکشان کوچی دفاع می‌کند و این دفاع را جز و جدایی‌ناپذیر وظایف عاجل خود می‌داند.

د پښتونستانیو محصلانو اوشاګردانو
ستر کنفرانس

په پښتونستان کی د وروستیو ملی او سیاسی نهضتونو د پیښو تر تأثیر لاندی، په کابل کی د پښتونیستانیو محصلانو او شاګردانو د مخکنی فیصلی سره سم د جوزا په ۱۷ نیټه د خوشحال خان په درسی ودانی کی یو ستر کنفرانس جوړ شوی و.

پدی کنفراس کی د پښتنو دروړور او ځوریدلی ملت د غرنیو قبایلو دنوی او زلمی نسل نمایندګانو ویناوی کولی او خپل اشعاریی لوستل هغه ویناوی چه پدی کنفرانس کی وشوی په کلی توګه یی ضد استعماری او ضد فیوډالی خصلت ښود. زلمیانو د پښتونستان په هکله هغه زوړ او بی حرکته سیاست وغانده چه د زړو طبقاتو له خوا پدی مورد کی تر اوسه پوری تعقیب شوی، زلمیانو یو ځل بیا د پښتونستان د ستر لار شوونکی پاچاخان ستر رول یاد که او دموقتی حکومت ضرورت یی په کلکه تأیید کړ.

د پښتونستانیو زلیانو تحلیلونه او ځیرنی د پشتونستان په باب خورا عملی، ژوری او وطنپالو تکی وی. دوی د افغانستان او پښتونستان د ملی آزادی‌بخشونکو نهضتونو منطقی روابط په توګه کړل او هغه یی په اوړو هیوادونوکی یو د بل لازم او ملزوم و بلل.

پرچم: د پښتونستان د زلمی نسل

پایان اعتصاب کارگران مطبعهٔ فرانکلن
با نمایندگی استعمار فرهنگی امریکا در کابل

پیوسته به اعتصاب ۸ جوزای خود کارگران آگاه و با شهامت مطبعه فرانکلن بروز ۱٤ جوزا مجدداً دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب مجدد آن بود که مقامات مطبعه فرانکلین به وعده‌هایی که در میتنگ ۸ جوزا به کارگران داده بود و ما در شمارهٔ گذشته آن را نشر کردیم. در موارد اساسی عمل نکرد و به قسمت عمدهٔ خواست‌های قانونی و اقتصادی کارگران جواب رد داد.

کارگران مطبعه فرانکلین با استواری در صحن فابریکه به میتنگ و اعتصاب خود ادامه دادند و در بیانیه‌ها و شعارهای خود ماهیت ارتجاع و استعمار را افشا کرده و از حقوق عادلانهٔ خود دفاع و توضیح پرداختند. بالأخره رئیس موسسه در اثر فشار کارگران در محضر ایشان حاضر شده و وادار به مذاکره شد.

قرار اطلاعات بعدی نمایندگان منتخب کارگران بروز ۱٥ جوزا با وزارت معارف داخل مفاهمه شده و اصرار ورزیدند که بدون تحصیل مطالبات خود دست از اعتصاب نخواهند کشید. اطلاع می‌رساند که در نتیجه وزارت معارف با اکثر خواست‌های کارگران موافقت کرد و وعدهٔ تطبیق آن را به کارگران داد. اعتصاب کارگران زحمتکش مطبعهٔ فرانکلین بروز ۱٦ جوزا مؤفقانه خاتمه یافت.

اعتصاب آگاهانهٔ کارگران مطبعه فرانکلین نشان داد که با پیگیری، منطق و استواری و بدون راه دادن به ماجراجوی و نفاق افگنی در میان خویش می‌توان ارتجاع را قدم به قدم وادار به عقب‌نشینی کرد و مبارزه در راه برآوردن خواست‌های عادلانه خود را پیش برد.

فریادهای زحمتکشان ولایت تخار

خبرنگار پرچم از ولسوالی چاه آب ولایت تخار اطلاع می‌دهد که ۲۳ کارگر مزدور معدن طلای (نورابه) واقع ولسوالی چاه آب بدون موجبات قانونی خلاف مادهٔ ۲٦ قانون اساسی کشور چندان لت و کوب دیده‌اند که احتمال عیبی شدن عده‌ای از ایشان بوجود آمده است.

در تفسیر خبر نوشته شده است که کارگران طلا بصورت روزمزد، در معدن (نورابه) مصروف کار بودند و در مقابل روزانه ۲٥ افغانی مزد می‌گرفتند با فرارسیدن روزهای جوزا که موسم غله و درو است و روزمزد کارگران در مزارع علاوه از مأکولات روزانه به چهل افغانی بالغ می‌شود. روی این علت کارگران طلا از کار فرمایان خود تقاضای مزد بیشتر کردند و در غیر آن تقاضای مزد بیشتر کردند و در غیر آن تقاضای ترک خدمت نمودند. این تقاضا باعث برافروختگی و اشتغال کارفرمایان قانون‌شکن و خود سر شده کارگران بی‌دفاع را روز ٦ جوزا به همدستی ولسوال چاه آب چنان لت و کوب کرده‌اند که در پا و دست چندین تن ایشان شکستگی‌هایی پدید شده است.

خبر می‌رساند که کارگران مذکور را بعد از لت و کوب توسط موتر معدن به محبس ولسوالی انتقال داده‌اند وعده‌ای از ایشان را به زولانه و ولچک کشیده‌اند. خبر از جملهٔ این کارگران اسماء (ایوب ولد نیازمحمد، امیر ولد تقای مراد، بابای ولد رجب، محمد صفر ولد نوروز ساکنان قریهٔ سمتی) را قید کرده است. خبر می‌افزاید که از طرف ولسوالی به قریه داران توصیه شده است تا جلو عرض و داد مجروحین و وابستگان‌شان را به مقامات بالاتر دولت بگیرند.

پرچم: این روش ستمگرانهٔ بروکراتان بیرحم را جداً تقبیح نموده و از تمنیات کارگران بی‌دفاع و حرمت ایشان جداً دفاع می‌کند.

اعتصاب کارگران رزمندهٔ فابریکه‌های
حجاری و نجاری در برابر استثمار و رویهٔ ظالمانهٔ کارفرمایان المان غرب

کارگران مبارز فابریکه حجاری و بتون بروز چهارشنبه ۱٥ جوزا و به دنبال اجتماعات قبلی، به غرض تأمین حقوق صنفی خویش، از جمله اجرای رخصتی‌هایی که از هفت سال به این طرف بطور ظالمانه برای کارگران مذکور داده نشده، در صحن فابریکه اجتماع نموده بودند، و ادارهٔ فابریکه برای بر آورده شدن این خواست آنان تقاضای مهلت چهر ماهه داشت و اما ایشان فریاد می‌زدند: «ما نمیخواهیم ... شما خارجی استید، ما را فریب میدهید و بااستفاده از فقدان قانئن مصونیت کار ما را بتدریج از فابریکه تصفیه مینمائید و ....»

فریادهای حق خواهی و غریو کارگران مصمم، فابریکه داران المان غربی را به اضطراب و تلاش واداشت و نمایندگان وزارت معادن و صنایع را به حضور کارگران حاضر کردند، آنان یادداشت کارگران را مبنی بر مطالبات صنفی و قانونی‌شان اخذ و برای جواب به آن تا امروز مهلت گرفتند.

کارگران در یادداشت خود خواسته‌اند تا: محرومیت کارگران از حق رخصتی قانونی مرتفع شود و علاوه بر اجرای استحقاق غصب شده آنان در ۷ سال گذشته، در آینده نیز کارگران حق داشته باشند در مواقع ضرورت رخصتی‌های خویش طبق قانون استفاده نمایند. بیمه صحی اصلاح شود، نان چاشت برای آنان منظور گردد، وسایل حمل نقل از خانه‌های‌شان به فابریکه و از آنجا تا محل سکونت برایشان تهیه گردد. لباس کار برای آنان داده شود، معاشات‌شان که تا کنون به اساس روزمزد اجرا می‌گردد و روزهای رخصتی را از معاش محرومند، بطور ماهوار اجرا گردد و معاش روز پنجشنبه که تا حال نیمروز داده می‌شد، باید پوره داده شود و همچنان در معاشات‌شان بر مبنای اصل لیاقت و سابقه کار درجه‌بندی و افزایش بعمل آید و بالأخره مصونیت کار تأمین گردد و تعهد شود تا اخراج‌های خودسرانه کارگران از کار بدون دلیل قانونی صورت نگیرد.

به دنبال این حادثه کارگران رزمنده فابریکه نجاری هوختیف نیز اجتماعی تشکیل داده و عین مطالبات را به مقامات مسؤول سپردند که برای بر آوردن آن نیز تا امروز مهلت گرفته‌شده.

پرچم: خواست‌های قانونی کارگران فابریکه حجاری و بتون و نجاری کابل را که از طرف انحصارات المان غرب و به نفع آنان بطور بی‌رحمانه استثمار می‌شوند مورد تأیید قرار داده و مسؤولیت عواقب نامطلوب این‌گونه خودسری‌های نمایندگان انحصارات سرمایه‌داری المان را متوجه مقاماتی می‌داند که به چنین سود جویان بین‌المللی در استثمار کارگران شریف افغانی وسیعاً میدان داده‌اند.

اعتصاب شاگردان ښوونځی صنایع دوام دارد

اعتصاب شاگردان ښوونځی صنایع همچنان ادامه دارد و تاکنون مقامات مسؤول وزارت معارف نتوانسته‌اند به خواست‌های قانونی متعلمان ښوونځی مذکور جواب قناعت‌بخش بدهند. طوری که اطلاع گرفته‌ایم شاگردان مذکور بسترهای لیلیه را از خوابگاه‌های شبانه برون ریخته‌اند و خود شب‌ها را در فضای آزاد و بدون بستر بسر می‌برند، معهذا به مطالبات‌شان توجه قانونی نمی‌شود.

تقاضای پوهنځی‌های حقوق و تعلیم و تربیه و دارالمعلمین عالی

محصلان پوهنځی‌های حقوق و تعلیم و تربیه، اکادمی تربیه معلمین و ښوونځی دارالمعلمین عالی تقاضا دارند تا امکانات ادامه تحصیلات عالی‌تر برای ایشان مهیا شود. دانش‌آموزان مذکور توقعات خود را درین زمینه به وزارت معارف و ریاست پوهنتون ارایه کرده و شدیداً منتظر جواب قانونی به آن می‌باشند.

(دلمړی مخ پاتی)

د پښتونستان ...

زیاتیدو کی ترقی شویده، اول یوه محکمه وه، سرک هغی سره و، ریل هغی سره و، بنګلی هغی سره وی بجلی هغی سره وه، نن چه ګوری هر یوه ځاتله ځاتله کاردی. چه ورشیء سراکونه مو وګوریء، پخپله وزیران خوهوایی جازونو کي ځی راځی او ممبران عاجزان خو ګرم ندی.

(نور بیا)

تصحیح و تذکر ضروری

در سر مقالهٔ شمارهٔ گذشته، در سطر پنجم ستون اول صفحه اول کلمه (مؤفقیت) به (موقعیت) و همچنان در سطر ۳۱ همین ستون ترکیب (بصحنه سازی‌های دموکراتیک) به (بصحنه سازی‌های به اصطلاح دموکراسی) تصحیح شود.

و همچنان تذکر داده می‌شود که قسمت اخیر داستان (جولیوس فوجیک) نسبت تراکم مضامین در شماره آینده تقدیم می‌شود

تذکر: چون گزارش مربوط به مطالبات کارگران پروژهٔ پلخمری – شبرغان بعد از ترتیب صفحات پرچم بما رسیده در شمارهٔ آینده بطور مفصل نشر می‌شود.

پـــرچـــم
هره دوشنبه خپریږی

د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب)
د امتیاز خاوند او مسرول مدیر:
سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیټ
محمد جان خان واټ
کابل، افغانستان

اشتراک
په مرکز کی د کال ۱۰۰ – افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره
یوه ګڼه ۲ – افغانی

تایپ متن: عبدالستار خوژمن، ویرایش جدید: عمر فیض

دولتی مطبعه